



یادداشت



لحاظ روانشناسی اجتماعی در خلوت خود زیست می‌کنیم. چون مبادله‌ای با دیگران نداریم، چیزی هم دریافت نمی‌کنیم و نتیجه قهری آن هم این است که تلاش کنیم به نوعی خودبستگی برسیم. امری که در یک زندگی مشترک اجتماعی، اگر تحقق آن محال نباشد دستکم نامعقول و غیرمنطقی است.

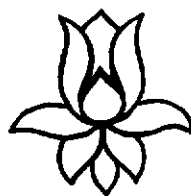
همکاری میان کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در مملکت ما از دهه پنجاه شمسی چندین بار تجربه شد و پس از کوتاه زمانی دچار توقف و تعلیق گردید. دلایل این توقف متعدد بود، ولی همه آنها یک وجه مشترک داشت: اعضای این شبکه همکاری هریک منفرداً فقط به خود می‌اندیشید؛ و این نقض غرض همکاری است. در تعاون اجتماعی باید دور ایستاد و نتیجه‌غایی این همکاری را دریافت اجتماعی و در سطح کلان بررسی کرد. باید پرسید «این نوع همکاری تا چه حد به سود مملکت است؟»

طبیعی است چنین نگرشی هرگز به کسب مقام فردی یا احراز اعتبار و منزلتی متفاوت برای فرد توجهی ندارد، بلکه آنچه در کانون توجه قرار می‌گیرد حاصل جمعی این همکاری است. و این نگرش را در هیچ یک از وجوه زندگی اجتماعی ما نمی‌توان یافت، از جمله فعالیتهای اطلاع‌رسانی.

زندگی اجتماعی ضرورت‌هایی را به همراه دارد که منطقاً و عملاً نمی‌توان آنها را ندیده گرفت. از جمله این ضرورت‌ها همکاری میان اعضا و عناصر جامعه است. کمی دقت در فعالیتهای مستمر روزانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی اجتناب‌ناپذیر بودن این امر را به خوبی نشان می‌دهد. اساساً مبنای شکل‌گیری جوامع نیاز به همکاری میان اعضا بوده است. این عرصه‌های فعالیت اقتصادی باشد یا سیاسی و یا فرهنگی، تفاوتی نمی‌کند. تعاون شرط لازم زندگی اجتماعی است.

حوزه اطلاع‌رسانی نیز از زمره فعالیتهای اجتماعی بیرون نیست. هرگاه میان ارگانهای ذیربط داد و ستدی صورت نگیرد، هیچ یک از دوسوی این معامله طرفی نخواهد بست. این داد و ستد اطلاعاتی چه میان مراکز اطلاع‌رسانی و سازمانهای آموزشی و پژوهشی صورت گیرد و چه میان خود مراکز اطلاعاتی، هم به سود «دهنده» است و هم به نفع «ستاننده».

متأسفانه در جامعه ما، علی‌رغم شعاری که مکرراً آن را به کار می‌بریم و حتی بر سربرگها و تابلوها و نوشته‌هایمان درج می‌کنیم — «تعاونوا علی البرّ والتقوی» — کمتر به مفاد آن توجه داریم. گرچه به صورت متراکم و کنار یکدیگر به سر می‌بریم ولی از



مناسب خود را بیابد، در عمل از توفیق چندانی برخوردار نباشد. زیرا مفهوم «نظام» با عدم همکاری یا سوء همکاری سازگار نیست.

همکاری سازمانی تابعی از مدیریت سازمانی است. فرهنگ مدیریت سازمانی ما فرهنگی تعاونی نیست. مدیریت نوعی مالکیت تلقی شده است و مدیر کسی است که مایملک اجتماعی سازمان را در دوران مدیریت از «خطر بهره‌وری اجتماعی» مصون نگه دارد! تا چنین نقطه نظری بر فرهنگ مدیریت سازمانی ما حاکم باشد، امکان هیچ گونه همکاری در هیچ یک از حوزه‌ها — از جمله اطلاع‌رسانی — فراهم نخواهد گردید.

در این شماره از مجله درونمایه بیشتر مقالات نوعی همکاری و مبادله را متجلی می‌کند که در مقیاس محلی، ملی یا بین‌المللی مطرح است. هرگز قصد آن نبوده است که موضوع همکاری یا مبادله و نظایر آن در یک مجموعه گرد آید، بلکه آنچه ناخواسته در مقاله‌ها و گزارش‌ها می‌توان یافت حاکی از نوعی تلقی همکاری است، و این نشان می‌دهد که همکاری عنصر اجتناب‌ناپذیر حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است.

اما تفاوتی که حوزه ما با سایر حوزه‌ها دارد ماهیت شغلی و حرفه‌ای آن است. کتابداری و اطلاع‌رسانی اساساً با همکاری عجین شده است. ارتباط و داد و ستد درونمایه این حرفه است. بدون ارتباط این حوزه هیچ است. بنابراین، هرگاه باب همکاری در عرصه اجتماعی مفتوح شود و اگر امر دایر باشد بر اینکه حوزه‌ای آغازگر این حرکت باشد، علی‌الاصول حوزه اطلاع‌رسانی می‌بایست در خط مقدم قرار گیرد. اما آیا فی الواقع چنین است؟

مدتی است سخن از نظام ملی اطلاع‌رسانی است. نظامی که هرگاه شکل نگیرد همه دچار خسران خواهند شد، و هرچه دیرتر پا بگیرد صدمات بیشتری بر تمام عرصه‌های حیات اجتماعی ما وارد خواهد گردید. اما ببینید که چه تعداد مدعی دارد؟ هر سازمان، وزارتخانه یا مؤسسه‌ای مدعی است که برای راه‌اندازی چنین نظامی اصلح است. و رای هریک از این ادعاها را که مشاهده کنید درخواست یافت که نوعی خودمحوری بر آن حاکم است. مدعیان کمتر به آن می‌اندیشند که برای بهبود نتایج غایی کار، این مسئولیت را باید به چه سازمانی واگذاشت.

هرگاه روحیه فعلی عدم همکاری در آینده نیز حاکم باشد، بیم آن می‌رود که حتی اگر نظام ملی اطلاع‌رسانی جایگاه مطلوب و